ادامه از صفحه اول

زندان‌های نیازمند اصلاح

در تعریف تفکیک آمده است «تفکیک و طبقه‌بندی عبارت است از جداسازی زندانیان از یکدیگر در زندان، بازداشتگاه با مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از حیث جنس، سن، نوع جرم، وضعیت قضائی (متهم و محکوم) و وضعیت سلامتی». معلوم نیست این دو زندانی خطرناک که یکی قاتل و محکوم به قصاص است و دیگری محکوم به حبس ابد به علت قاچاق مواد مخدر را در یک سلول مستقل نگهداری می‌کردند، به چه اتهامی در سلول مجزا آن هم به مدت ۳۲ ماه نگهداری می‌شدند؟ ممکن است در زندان مخل نظم و انضباط عمومی بوده یا موجب آزار و اذیت دیگر زندانیان باشند. در این صورت برابر تصمیم شورای انضباطی زندان، حداکثر شش ماه در محل جداگانه نگهداری می‌شوند. این دسته از زندانیان شب‌ها در اتاق‌های تک‌نفره در فضای حداقل ۱۰ مترمربعی با نور کافی و سرویس بهداشتی مناسب نگهداری می‌شوند. این دسته از زندانیان هم‌زمان با تحمل حبس، تحت پوشش طرح‌های اصلاحی نظیر روان‌درمانی قرار می‌گیرند و ترخیص زندانیان خطرناک موضوع ماده ۳ آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان قبل از موعد مقرر (یعنی شش ماه موضوع نگهداری جداگانه) با نظر روان‌شناس یا پزشک مسئول و تصویب شورای انضباطی امکان‌پذیر خواهد بود. اگر این دو زندانی مشمول تصمیم شورای انضباطی زندان شده بودند، معنای آن این است که مخل نظم و انضباط عمومی بوده یا موجب آزار و اذیت دیگر زندانیان شده‌اند.مسئولان زندان جز موارد ذکرشده در بالا نمی‌توانند در نحوه نگهداری زندانیان اعمال سلیقه شخصی کنند. در عین حال، باید پرسید چه کسانی مواد مخدر را از هفت‌خان کنترل ورود و خروج به زندان، رد می‌کنند؟ معروف است دیوارهای زندان در مقابل اخبار خارج از زندان و نیز مواد مخدر غیرقابل کنترل هستند، اما دو نفر زندانی خطرناکی که برابر مقررات داخل زندان تشخیص داده شده که از دیگر زندانیان جداگانه نگهداری شوند و مدت‌های مدید در سلول مجزا نگهداری می‌شوند، به مواد دسترسی داشته‌اند. کنترل ورود و خروج افراد به سلول مستقل و مجزای آنها کاری ساده است و به‌راحتی می‌توان عوامل تأمین‌کننده مواد مخدر به آنها را شناسایی کرد. نوشتن از زندان فشافویه نگارنده را یاد زمانی انداخت که به‌تازگی از سوله‌ای در کهریزک مطلع شدم .در یکی از مراجعاتم به دادسرای شمیران مدت‌ها قبل از واقعه کهریزک در یکی از شعب بازپرسی با تحقیق از جوانی که حقوق خوانده و پایان‌نامه کارشناسی ارشد او هم مربوط به جعل در اسناد رسمی بود، به عنوان متهم از وی تحقیق می‌شد وقتی متوجه شدم که فردی تحصیل‌کرده در رشته حقوق آن هم در مقطع کارشناسی ارشد متهم به جعل و استفاده از سند مجعول است، جریان رسیدگی را از نزدیک شاهد شدم. متهم تحصیل‌کرده آن‌قدر در جعل اسناد تبحر داشت که کمتر کارشناسی می‌توانست مجعول‌بودن سند را احراز کند. می‌گفت کافی است یک بار نگاهی به امضای مورد نظر بیندازم عین آن را تقلید می‌کنم. دور از نظر و نگاه آقای بازپرس درخواست کرد وکالت او را بپذیرم. وقتی که مخالفتم را اعلام کردم، گفت خانمم بیرون از بازپرسی دسته‌چک دارد و در حسابی که به نام اوست، هر چقدر که بخواهید پول موجود است. یک چک سفیدامضا به شما می‌دهم هر مبلغ که خواستید، بنویسید. فقط یک خواسته از شما دارم و آن این است که مرا به سوله نفرستند. اولین‌باری بود نام سوله که محل نگهداری متهمان و محکومان خطرناک بود را می‌شنیدم. با توجه به توضیحات بعدی وی چندین مطلب خطاب به مسئولان نوشتم که اگر اخبار مربوط به سوله خلاف واقع و اکاذیبی است که زندانیان آن را منتشر می‌کنند، پاسخ دهند و اگر درواقع سوله‌ای وجود دارد و آخر دنیا آنجاست، متوجه خطرات آن و هزینه‌هایی که روی دست نظام می‌گذارد و باعث وهن قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها می‌شود، درصدد اصلاح آن برآیند. افراد دیگری هم به نقد سوله و نحوه نگهداری زندانیان در آن محیط نامناسب پرداختند اما کسی به نقد مشفقانه و دلسوزانه امثال نگارنده توجه نکرد؛ پایان کار سوله که بعدا به زندان کهریزک معروف شد را همه می‌دانیم. امروز این هشدار از ناحیه زندانیانی داده می‌شود که با ذکر نام خود با همه مخاطراتی که نتایج آن را می‌دانند، وقتی ۳۲ ماه در شرایط بدی در زندان فشافویه بودند و از یک ماه قبل هم تهدید کرده بودند اگر ما را از این زندان منتقل نکنید دست به قتل می‌زنیم.

به زندان فشافویه و دیگر زندان‌ها این بار با این دید و نگاه توجه کنید ایران با داشتن بیش از ۲۲۰ هزار زندانی که بیشترین آنها، زندانیان مواد مخدر هستند، جایگاه مناسب و در شأن جمهوری اسلامی ایران را ندارد، قوانین کشور از باب جرم‌انگاری موضوعات و عناوین مجرمانه نیاز به تنقیح و بازنگری دارد. باید نگاه قضات مرحله تحقیق یعنی دادسرا به متهم تغییر پیدا کند. برابر ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قرار تأمین و نظارت قضائی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی‌شدن متهم و محکومان ازبین‌رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد... . با ذکر آنچه گذشت، هستند زندانیانی که می‌توان با صدور قرارهای متناسب قبل از محکومیت قطعی آنان را روانه زندان نکرد و از بار زندان‌ها و مقدار زندانیان کاست. اصلاحات قضائی رئیس محترم قوه قضائیه که از روندهای نو استقبال می‌کند، در بخش زندان‌ها نیاز به سرعت بیشتری دارد.

هنوز با منافقین تصفیه نکرده‌ایم

ناگفته‌های پورمحمدی از حوادث سال ۶۷

عکس: علی حدادی‌امل، آنا

مصطفی پورمحمدی در گفت‌وگوی تصویری با نشریه «مثلث» به صورت مبسوط درباره اعدام‌های سال ۶۷ و مسائل مختلف دیگر به اظهارنظر پرداخته است. فیلم کامل این گفت‌وگو شب گذشته در تارنمای آپارات مثلث و سایت این نشریه منتشر شد که «شرق» بخش‌هایی از آن را بازنشر می‌کند.

مصطفی پورمحمدی در پاسخ به این موضوع که چرا تاکنون چندان از اتفاقاتی که بعد از عملیات مرصاد در سال ۶۷ رخ داد سخن گفته نشده است، گفت: «طرف مقابل ما دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند و خباثت می‌ورزد و از هیچ‌چیز پروا ندارد. در چنین میدانی انتظار این است که نقشه‌های عملیاتی را به راحتی بیان کنیم و موضوعاتی که دشمن می‌تواند دستاویز خود قرار دهد، هر روز علیه ما چماق کند و صد حرف منطقی و مقبول را در فضای رسانه‌ای گوشه رینگ و در تاریک‌خانه خود ببرد و اجازه بروز و ظهور ندهد و یک تاریخ مهم را با چند حادثه تفسیر و تثبیت کند؟ قطعا چنین کاری شایسته نیست. آنها تمام بوق‌های تبلیغاتی را روی این قضیه متمرکز کرده‌اند و آن دشمن خائنِ جنایتکار (سازمان منافقین) لشکر دشمنان دیگر است و دارد عملیات خود را اجرا می‌کند».

او ادامه داد: «انتظار این است که در وسط میدان جنگ از بحث‌های حقوقی و مراقبت‌های شهروندی و انسانی حرف بزنیم؟ اگر در چنگ یک خمپاره به سمت دشمن شلیک کنیم و بخورد به روستای کنار آنها باید پاسخ بدهیم که چرا به روستا خورد؟ جنگ بوده است و منافقین رفتند با صدام هم‌پیمان شدند، توافق‌نامه امضا کردند، عملیات جاسوسی و روانی انجام دادند، عملیات تخریب پشت جبهه انجام دادند، ستون پنجم شدند، عملیات نظامی انجام دادند. دشمنی از این بدتر هم می‌شود؟ تمام دنیا چهره (نظام) را تخریب کردند، هیچ تخریبی در این ۴۰ سال اتفاق نیفتاده مگر آنکه پای اصلی آن منافقین بوده است. ما هنوز تصفیه‌حساب نکرده‌ایم و بعد از تصفیه‌حساب این حرف‌ها را پاسخ می‌دهیم. شوخی هم نداریم. اینها باید بیایند و پاسخ خیانت‌ها و جنایت‌هایشان را بدهند. درباره آنها فقط بحث ترور نبود، تمام بمباران و موشک‌باران شهرها با هدایت منافقین بود؛ تمام تخلیه تلفنی عملیاتی و ناکام‌ماندن عملیات‌های ما به‌خاطر منافقین بود. ما به‌خاطر منافقین کلی شهید دادیم، تلفات دادیم، شکست خوردیم و حالا من باید بیایم و جواب حقوقی بدهم که فلان خمپاره را در جایی اشتباه یا درست انداخته‌ایم؟ منافقین همه‌شان جنایتکارند و باید در دادگاه محاکمه شوند. آنها آدم کشتند و جنگ کردند و باید به اشد مجازات محکوم شوند».

او درباره زندانی‌هایی که در دوران محکومیتشان اعدام شدند، گفت: «آدم جنایتکار تروریست که در هر مرحله‌ای به او ارفاق می‌شود بعد از مدتی در عمق توطئه نقش دارد، عملیات انجام می‌دهد و همدستی می‌کند. در مواجهه با چنین فردی باید عوامی و سادگی به خرج می‌دادیم و اجازه هر عملیاتی را به او می‌دادیم؟ در قبال فردی که نقشه فرارش را کشیده بود، می‌خواست جماران را بگیرد، امام را بگیرد و بکشد، اطرافیان امام را بکشد، صداوسیما و مراکز حکومتی را بگیرد و نقشه عملیاتی گرفته بود که کجا برود و چه‌کار بکند باید می‌گفتیم که تو در خط مقدم نبودی، تو پشتیبانی می‌کردی؟! هر کسی در میان دشمن است باید با او جنگید. ما هنوز تصفیه‌حساب نکرده‌ایم. اکنون وقت این حرف‌ها نیست، وقت تصفیه‌حساب است. امروز هم منافقین خائن‌ترینِ دشمنان این ملت‌اند و باید جواب بدهند، باید پای میز محاکمه بیایند و به حساب تک‌تک آنها رسیدگی شود. به دلیل فضای روانی یا جهالت و حماقت عده‌ای ما بدهکار شده‌ایم؟ ما باید پاسخ بدهیم؟ جنایتکارها باید بیایند و پاسخ بدهند. چرا اکنون این حرف‌ها زده می‌شود؟ موضوع بحث درباره منافقین کاملا روشن و شفاف است».

وزیر پیشین دادگستری درباره فایل صوتی اخیری که حکایت از گفت‌وگوی او و چند نفر از دیگر شخصیت‌ها با آیت‌الله منتظری درباره اعدام‌ها داشت، اظهار کرد: «آن فایل پخش شد و افرادی که معتقد به شفاف‌سازی هستند، برای دشمن شفاف‌سازی کردند و جاده‌صاف‌کن دشمن شدند. دلیلی برای انتشار آن نبود، زیرا این مطالب همه‌اش به صورت مکتوب منتشر شده است».

مصطفی پورمحمدی در پاسخ به این پرسش که آیا این احتمال وجود دارد که در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری برای تخریب ابراهیم رئیسی این فایل منتشر شده باشد، گفت: «خیر؛ عملیات مشترک آمریکا، سی‌آی‌ای، موساد و عربستان برای موج جدید براندازی در ایران بود. اصلا نباید آن را به این موضوعات کوچک گره بزنیم». او ادامه داد: «اکنون وقت جنگیدن است، وقت حرف‌زدن نیست.. الان وقت به‌حساب‌رسیدن است، وقت زمین‌گیرکردن و محاکمه‌کردن است، وقت بر سر جای نشاندن دنیای جنایتکار که از تروریسم دفاع می‌کند است».

قالیباف، امیدوارترین سیاست‌مدار ایرانی

شرق: فرمانده آتش به اختیار اصولگرایی که این روزها نه منتظر اشاره بزرگان است و نه گعده‌های ائتلاف. او فقط به انتهای مسیری می‌اندیشد که سال‌هاست پا در رکابش دارد اما هنوز به مقصد نرسیده است. در ۲۲سالگی فرمانده لشکر پنج نصر خراسان بود؛ اگرچه چندان مثل سایر سرداران شهره نبود. نخستین اخبار منتشرشده از قالیباف، مربوط به زمانی است که او هنوز نه سردار بود و نه سرتیپ. در اخبار روزنامه‌های اوایل دهه ۷۰ از او با عنوان «محمد قالیباف» نام برده می‌شد؛ کسی که از سوی محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه، رئیس باشگاه فرهنگی ورزشی فتح سپاه می‌شود، در حالی که هم‌زمان، فرمانده قرارگاه بازسازی خاتم‌الانبیا هم بود. او دو سال بعد طی حکمی به فرماندهی نیروی هوایی سپاه رسید.

با روی کارآمدن دولت اصلاحات، فرمانده نیروی هوایی از جبهه حق و باطل سخن گفت و اینکه «ما در این برهه از زمان به عنوان حزب‌اللهی باید جایگاه خودمان را مشخص کنیم». او یکی از امضاکنندگان نامه ارسال‌شده برای خاتمی در تیر ۷۸ بود. در نامه فرماندهان سپاه آمده بود: «در کمال احترام و علاقه به حضرت‌عالی اعلام می‌داریم کاسه صبرمان به پایان رسیده و تحمل بیش از آن را در صورت عدم رسیدگی، بر خود جایز نمی‌دانیم». سال ۷۹ قالیباف فرمانده نیروی انتظامی می‌شود. او سال ۸۱ هم درباره ۱۸ تیر ۷۸ گفت: «این حادثه به این برمی‌گردد که ما در تشخیص و هدف‌گذاری‌های خود درست عمل نکردیم».

او آبان ۷۹ هم به مجلس رفت و درباره وقایع خرم‌آباد با اعضای هیئت تحقیق و تفحص مجلس گفت‌وگو کرد. ماجرای خرم‌آباد، قضیه حمله به مینی‌بوس حامل اعضای دفتر تحکیم وحدت بود که به اردوی سالانه آمده بودند. اقدامات او در آراستن چهره نیروی انتظامی موفقیت‌آمیز بود تا جایی که «میثم سعیدی»، نماینده مجلس، انتخاب او را مثبت ارزیابی کرد و گفت تنها چیزی که مورد نظر ایشان است، یک نیروی انتظامی غیرسیاسی است. این تغییر برخورد، در سالگرد وقایع تیر سال‌های بعد هم نمودار شد.

ورود قالیباف به نیروی انتظامی اصلاحی و با اقداماتی پرسروصدا مثل راه‌اندازی سامانه پلیس ۱۱۰ و ورود بنزهای الگانس همراه بود؛ گرچه واردات بنز الگانس انتقادات زیادی را متوجه «قالیباف» کرد. او سال ۸۱ در واکنش به انتقادها گفت: بنزهای الگانس را با همه تشکیلاتش ۱۸ میلیون تومان خریده‌ایم و تا سقف ۲۰ میلیون تومان بیمه کرده‌ایم.

بهشت به‌جای پاستور

درنهایت با نزدیک‌شدن به انتخابات سال ۸۴ زمزمه حضور او هم شنیده شد. نیروی انتظامی سکوی خوبی برای پرش به صندلی ریاست‌جمهوری بود؛ به‌ویژه در تصاویر تبلیغاتی، از او نه چهره یک فرمانده نیروی انتظامی، بلکه خلبانی با لباس سفید و با عنوان دکتر خلبان «قالیباف» به مردم معرفی شد. همان زمان نظرسنجی‌های صداوسیما نشان می‌داد هاشمی در رتبه اول و قالیباف بعد از او قرار دارد. صداوسیما در نظرسنجی اخیر خود برای انتخابات سال ۹۲ هم به این نتیجه رسیده حامیان قالیباف هم معتقد بودند اگر سعید جلیلی در آن سال کنار می‌کشید، برد نهایی با قالیباف بود. در سال ۹۶ هم معتقد بودند نظرسنجی‌ها او را جلوتر از رئیسی نشان می‌داده اما اصولگرایان رئیسی را بر قالیباف ترجیح دادند و در نهایت قالیباف فداکارانه از دور رقابت‌ها کنار کشید تا مانع شکست او شود. در نهایت قالیباف در سال ۸۴ با کسب کمی بیش از چهار میلیون رأی نفر چهارم شد ولی در عوض به جای احمدی‌نژاد که به پاستور رفته بود، راهی خیابان بهشت شد.

مصطفی پورمحمدی در اظهارنظری درباره انتخاب قالیباف برای شهرداری تهران از مخالفت احمدی‌نژاد با این انتصاب پرده برداشته و گفته است: «هم‌زمان با حضورم در وزارت کشور، شورای اسلامی شهر تهران آقای قالیباف را به عنوان شهردار انتخاب کرده و انتصاب وی با حکم وزیر کشور قطعی می‌شد و این همان چیزی بود که احمدی‌نژاد با آن مخالف بود و با توجه به اینکه امضای حکم «قالیباف» در آن زمان کار درستی بود، بدون درنظرگرفتن نظر رئیس‌جمهور و بدون اطلاع وی حکم قالیباف را امضا کردم. متأسفانه احمدی‌نژاد فقط به این دلیل که قالیباف رقیب انتخاباتی‌اش در انتخابات بود، با انتصاب وی به عنوان شهردار تهران مخالف بود». روزنامه ایران در زمان احمدی‌نژاد، شهردار تهران را در قضیه اشغال سفارت انگلستان، افزایش نرخ ارز، التهاب بازار سکه و... مقصر دانسته و با اشاره به این جمله قالیباف در نقد وضع موجود که: «بیش از آنکه به یک کار هیجانی و احساسی نیاز داشته باشیم، نیازمند یک شور توأم با شعور، عقلانیت و پختگی هستیم»، نوشته بود: «البته معلوم نیست این شعور، عقلانیت و پختگی مدنظر ایشان را در کدام قسمت از ماجرای سفارت انگلیس باید جست‌وجو کرد. در واقع آنچه در ماجرای سفارت انگلیس رقم خورد، معیار بسیار روشن و واضحی از عملکرد افراد و جریان‌هایی است که امروز با ورود به فضای انتخابات مدعی مدیریت، برنامه‌ریزی و عمل‌گرایی هستند و دولتی را که علی‌رغم دخالت‌ها و ماجراجویی آقایان و تحت فشارهای داخلی و خارجی همچنان به خدمات صادقانه و خالصانه خود ادامه می‌دهند، به سوءمدیریت متهم می‌کنند».

قالیباف سال ۸۸ هم گفت: «با جمع‌بندی شرایط موجود، فعلا داوطلب دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری نیستم»؛ اما این فقط یک تاکتیک بود؛ او قرار بود حداقل دو دور دیگر نیز در انتخابات شرکت کند. سال ۹۲ آمد؛ اما در رقابت درون‌گروهی با دیگر اصولگرایانی مانند جلیلی و رضایی، آرای قالیباف شکست و در نهایت حذف شد.

دوران شهریاری

قالیباف سال ۹۶ دوباره آمد و بازهم تن به رقابتی درون‌جریانی داد که بعدها با پشیمانی از آن سخن گفت. شایعاتی نیز مطرح بود که در راستای حمایت از او، از امکانات شهرداری استفاده شده است. در برخی کانال‌های تلگرامی مرتبط با شهرداری یا شورایاری‌ها، اشعار طنزی سروده می‌شد». برخی خواسته‌های قانونی صنفی به‌جامانده در زیرمجموعه شهرداری نیز به‌سرعت در یک سال مانده به انتخابات ۹۶ عملی می‌شد، مانند بیمه مدیران محلات. طبق آیین‌نامه، مدیران محلات باید بیمه شوند؛ اما بعد از چند سال، شهرداری در سال ۹۵ اقدام به بیمه‌کردن مدیران محلات کرد.

کلیدواژه قالیباف در انتخابات ۹۶ «چهاردرصدی‌ها» بود که تا مدت‌ها بعد از انتخابات نیز با بهانه یا بدون بهانه تکرارش می‌کرد. یوسف اباذری، جامعه‌شناس، در سخنرانی‌ای ضمن حمله به سیاست‌های پوپولیستی محمود احمدی‌نژاد و محمدباقر قالیباف گفته بود: «آیا آقای قالیباقی که این شهر را ۱۴ سال بر اصول نئولیبرالی می‌چرخاند، می‌داند در انتخابات ریاست‌جمهوری نباید بگوید چهار درصد و ۹۶ درصد. یا نمی‌دانی چه اجرا کردی یا می‌دانی و داری خلاف می‌گویی...». بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند سیاست‌های «مال‌سازی» دوران قالیباف یکی از نمودهای بارز نئولیبرالیسم بوده است.

قالیباف در همان روزهای انتخابات نیز گفته بود: «مسئولان دولتی امروز و افرادی که تافته جدابافته‌ای از مردم‌اند، همان بخش چهاردرصدی جامعه ما هستند. از ۹۶ درصد مالیات گرفته می‌شود؛ اما آن چهار درصد از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند». وزیر سابق راه‌وشهرسازی، یعنی عباس آخوندی، زمانی در واکنش به ادعای قالیباف گفته بود: «آنچه امروز از چهار درصد ثروتمند یاد می‌شود، یاری وفادارتر از قالیباف نداشتند». آخوندی به مدیریت ۱۲ساله شهردار تهران در پایتخت اشاره کرده و گفته بود: «۱۲ سالی که ایشان شهردار تهران بودند، طلایی‌ترین دوران برای سوداگران بوده است تا با دست باز، هر کاری که در تهران بخواهند، انجام دهند. تمام ظرفیت‌های زیستی نسل فعلی و آتی این شهر را معامله کنند و این شهر بی‌سامان را که در آن نه حرکت می‌توان کرد و نه زندگی، به وجود آورند که برای برون‌رفت از آن به صدها عاقل نیاز خواهد بود که آن را دوباره سامان بخشند».

همچنان چشم امید به آینده

قالیباف بلافاصله بعد از باخت اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶، نامه‌ای سرگشاده منتشر کرد و در آن از «نواصولگرایی» نام برد. او در آن نامه نوشته بود: امیدی به رأس جریان اصولگرایی نیست. به عقیده او، این رأس دچار اختلال شده که نتیجه تصمیماتش شکست انتخاباتی است. در این چند وقت هم که گهگاه زمزمه تبدیل نظام ریاستی به پارلمانی یا رویکارآمدن رئیس‌جمهوری نظامی از سوی اصولگرایان شنیده شده است، یکی از نام‌هایی که به آن اشاره می‌شود، محمدباقر قالیباف است.

او برای دور چهارم ورودش به عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری فهمیده دیگر نمی‌توان روی وعده و وعیدهای اصولگرایان حساب کرد؛ چراکه در لحظه حساس، انتخابشان می‌تواند دیگری شود. برای همین از حالا در تدارک عده و عُده خودش است. مشخص نیست خودش هم قصد ورود به پارلمان را دارد یا نه؛ اما هرچه هست، به کمک حزب جمعیت پیشرفت و عدالت، دنبال آن است که در مجلس نیز مردان و زنان خودش را گرد آورد تا در لحظه حساس تنها نماند. قالیباف یک آرزو دارد و تا به آن نرسد، آرام نمی‌گیرد؛ ریاست‌جمهوری.

دبیر شورای عالی امنیت ملی

مذاکره با کسی که به هیچ چیز پایبند نیست، حماقت است

ایسنا: رئیس و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پیش‌ازظهر روز گذشته با دریابان علی شمخانی، نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی، دیدار و گفت‌وگو کردند. شمخانی در این دیدار با اشاره به نقش تعیین‌کننده کمیسیون اقتصادی مجلس در پشتیبانی از راهبرد «مقاومت فعال» در برابر سیاست «فشار حداکثری» آمریکا به مردم ایران گفت: در آذر سال گذشته تصمیم گرفته شد با تغییر رویکرد کشور در برابر بدعهدی آمریکا و بی‌عملی اروپا، اقدامات فعالانه و مقابله‌ای در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و هسته‌ای به اجرا گذاشته شود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی استفاده از مزیت، فعال‌سازی ظرفیت و ایجاد قابلیت را از مهم‌ترین سیاست‌های اجرائی کشور برای محقق‌شدن راهبرد مقاومت فعال برشمرد و گفت: از اردیبهشت سال جاری که این راهبرد با تأخیر چندماهه به اجرا گذاشته شد، «معادلات قدرت» در منطقه به‌طور کامل تغییر کرد. او هدف آمریکا از اتخاذ سیاست فشار حداکثری را کاهش تاب‌آوری اجتماعی در ایران و شکل‌گیری شورش‌های داخلی و در نهایت به‌زانودرآوردن نظام عنوان و خاطرنشان کرد: مردم فهیم و نجیب ما، با اشراف به قصد دشمنان برای ناامن‌سازی کشور در دو سال گذشته، بیش از پیش در کنار حاکمیت قرار گرفتند و با مقاومت مثال‌زدنی در ابعاد مختلف، دشمن را ناکام کردند.

شمخانی با تبیین دستاوردهای ارزنده حاصل از راهبرد مقاومت فعال افزود: امروز دشمن به‌خوبی متوجه عجز و عدم موفقیت خود در اعمال سیاست فشار- مذاکره شده است و راهی به‌جز اجرای کامل تعهدات خود و تأمین بدون تنازل حقوق ملت ایران ندارد. او مذاکره با فردی را که به هیچ‌یک از تعهدات خود پایبند نیست، حماقت و نشانه ضعف و درماندگی عنوان و اظهار کرد: امروز و با مقاومت مثال‌زدنی مردم ایران، دشمنان ما به این باور رسیده‌اند که نمی‌توان با بزرگ‌نمایی شبح خیالی جنگ، ملت ایران را وادار به پذیرش ذلت کرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی، ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد کشور و بی‌تأثیرشدن تحولات سیاسی و امنیتی بر تغییر بازارهای اصلی و به‌ویژه نرخ ارز را نشان‌دهنده موفقیت راهبردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عنوان کرد و گفت: با ازمیان‌رفتن تأثیر عوامل روانی و سیاسی بر نرخ ارز، باید همه تلاش‌ها برای متعادل‌کردن نرخ ارز بر اساس واقعیت‌های اقتصادی معطوف شود. شمخانی در پایان خواستار تمرکز کمیسیون اقتصادی مجلس بر طراحی و تصویب سازوکارهای پویا به‌منظور تحریم‌ناپذیرشدن اقتصاد کشور شد و گفت: توجه به فعال‌شدن بخش خصوصی واقعی در اقتصاد کشور می‌تواند مانند ورود بسیج به جنگ تحمیلی، معادلات اقتصادی را به صورت کامل متحول کند.

پیش از اظهارات دبیر شورای عالی امنیت ملی، رئیس و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس نیز با ارائه گزارش‌های جداگانه درباره برنامه‌های اولویت‌دار این کمیسیون، برای رفع مشکلات اقتصادی کشور بر محورهایی مانند ضرورت ایجاد شفافیت در استراتژی اقتصادی کشور، مبارزه غیرتبلیغاتی و مؤثر با فساد، اصلاح ساختار مالیاتی، مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اصلاح نظام بانکی و فعال‌شدن هرچه سریع‌تر سازوکارهای مربوط به ایجاد خزانه الکترونیک تأکید کردند.

خبر

روح‌الله حسینیان:

رهبر انقلاب با استعفای دولت موافقت نمی‌کنند

● روح‌الله حسنیان، فعال سیاسی اصولگرا درباره احتمال استعفا یا برکناری دولت روحانی گفت: «دولت تا ۱۴۰۰ می‌رسد و استعفا نمی‌دهد، استعفا هم دهد، پذیرفته نخواهد شد. بالاخره کاری را که شروع کردند، باید به انتها برسانند. به نظرم اصولگرایان هم درست تحلیل نمی‌کنند که چنین درخواستی را مطرح می‌کنند». به گزارش «نامه‌نیوز» او درباره وضعیت کشور در دو سال آینده اظهار کرد: «بالاخره عوامل مختلفی، خوبی و بدی کشور را رقم می‌زند. دولت یک قسمت عمده کار دستش است. اگر دولت با همین برنامه و افراد بخواهد پیش برود، موفقیت و تغییر اساسی شکل نخواهد گرفت؛ ولی مؤلفه‌هایی مثل قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران و ثبات امنیت ازجمله مسائل مهمی هستند که می‌تواند به بهبودی اوضاع کمک کند». این فعال سیاسی اصولگرا یادآور شد: «در همین مدتی که قاطعانه نیروهای مسلح عمل کردند، به نظر می‌رسد یک ثبات نسبی از لحاظ روانی برای مردم ایجاد شده و مردم احساس می‌کنند ابرقدرت‌ها نمی‌توانند به این راحتی ثبات ایران را به هم بزنند و این خودش عامل بسیار مهمی است». او در تشریح دلایل خود درباره استعفاندادن دولت روحانی ادامه داد: «استعفای دولت روحانی نه به نفع اصلاح‌طلبان است و نه به نفع اصولگرایان. در این وضعیت تحویل‌گرفتن دولت به‌هیچ‌عنوان به نفع اصولگرایان نیست».

حسینیان درباره توصیه سعید حجاریان به دولت برای استعفا توضیح داد: «استعفای دولت به نفع اصلاح‌طلبان هم نیست، اینها شعار می‌دهند؛ چون کاری را شروع کردند، وعده‌ها و قول‌هایی را به مردم دادند که اکثریت آنها به نتیجه نرسیده است؛ چون با اشتباه محاسباتی همه مسائل را به برجام گره زدند و اگر دولت استعفا دهد، به معنای میخی است که به تابوت اصلاح‌طلبی زده خواهد شد». او افزود: «اکثر اصلاح‌طلبان با استعفای دولت موافقت نخواهند کرد و مجلس و رهبر معظم انقلاب تمایلی به پذیرش استعفای دولت نخواهند داشت». این عضو جبهه پایداری تأکید کرد: «شاید استعفای دولت به طور مقطعی و موقت برای مردم خوب باشد؛ ولی به مصلحت کلان نظام و انقلاب و مردم نیست که این دولت با این وضعیت استعفا دهد و فردا دلایلش را به گردن دیگران بیندازد».

آیت‌الله جنتی:

سپاه، خاری بر چشمان آمریکاست

● **ایسنا:** آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، صبح روز گذشته در جلسه این شورا با اشاره به ساقط‌کردن پهپاد جاسوسی آمریکا و توقیف نفت‌کش انگلیسی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفت: اوضاع فعلی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ عزت و قدرت در منطقه غرب آسیا سرآمد است و این اتفاقات اخیر نشان داد دشمنان چقدر در رویارویی با ایران ناتوان هستند. او افزود: خداوند متعال اراده کرده که پس از خباثت و شرارت آمریکا در تروریست‌نامیدن سپاه، روزبه‌روز به آبروی این نهاد انقلابی افزوده شود. جنتی تأکید کرد: امروز سپاه، خاری بر چشمان آمریکا شده است و با وقایع اخیر، اسرائیل، عربستان و دیگر دشمنان ملت ایران فهمیدند که پاسخ ایران به هرگونه زورگویی آنها، قاطع، سریع و پشیمان‌کننده خواهد بود.

وزیر اطلاعات خطاب به ترامپ:

از عصبانیت بمیرید

● **اعتمادآنلاین:** وزیر اطلاعات خطاب به ترامپ و وزیر خارجه او گفت: از ما عصبانی باشند و از این عصبانیت بمیرند. محمود علوی، وزیر اطلاعات، درباره ادعای اخیر ترامپ که در واکنش به بازداشت ۱۷ جاسوس مرتبط با سازمان اطلاعاتی این کشور آن را دروغ خوانده بود، بیان کرد: به آنها توصیه می‌کنم توصیه شهید بهشتی را بخوانند که گفتند از ما عصبانی باشید و از این عصبانیت بمیرید. روز دوشنبه، ۳۱ تیر، مدیرکل ضدجاسوسی وزارت اطلاعات در نشست خبری با اعلام شناسایی و بازداشت ۱۷ عنصر جاسوس مرتبط با سیا گفته بود: حکم برخی از این افراد صادر و به اعدام محکوم شده‌اند. ساعاتی پس از انتشار این خبر و تصاویر افسران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، مایک پمپئو و دونالد ترامپ در واکنش به این اقدام وزارت اطلاعات، مدعی شده بودند که چنین چیزی واقعیت ندارد.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای:

باید با مردم مدارا کرد

● **اعتمادآنلاین:** معاون اول قوه قضائیه با تأکید بر اینکه قطعا با کسانی که امنیت کشور را به مخاطره اندازند، برخورد خواهیم کرد، گفت: همه دراین‌باره وظیفه داشته و باید با مردم مدارا کرده و با مخلان امنیت کشور برخورد کنیم. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای خاطرنشان کرد: باید در کنار انجام وظایف خود، روش، منش و منطق‌مان نیز به گونه‌ای باشد که فرد مجرم را تربیت کرده و به سمت توبه بکشاند، این‌گونه نباشد که وقتی کسی از دستگاه قضائی خارج شد، نه‌تنها چیزی یاد نگیرد؛ بلکه متنفر و بدبین نیز شود.